

نویسنده: ایمیس ایلییس «Emese Ilyes».
منبع و تاریخ نشر: کمان دریم «2025-02-26».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



لیبی از دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق آمریکا، در جریان جلسه استماع کمیته منتخب مجلس نمایندگان ایالات متحده در مورد حمله 6 ژانویه به ساختمان اداری کانن هاوس در روز دوشنبه 13 ژوئن 2022 در واشنگتن دی سی پخش می شود). عکس: مت مککلین/ واشنگتن پست از طریق گتی ایماژ

**ترامپ نه خداست و نه پادشاه: چرا باز نویسی او
از تاریخ باید متوقف شود؟**

***Trump Is Neither God nor King: Why His
Rewriting of History Must Be Stopped***

هر بار که ترامپ تلاش می کند 6 ژانویه را باز نویسی کند یا تبلیغات پوتین درباره اوکراین را طوطی وار نشان دهد، ما باید نه با خشم پاسخ دهیم (بالاخره، همه اینها در پروژه 2025 نوشته شده است)، بلکه باید با تعهد تزلزل ناپذیر به حقیقت پاسخ دهیم

Every time Trump attempts to rewrite January 6 or parrot Putin's propaganda about Ukraine, we must respond not with outrage (after all, this was all written in Project 2025), but with unwavering commitment to truth.

هنگامی که دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده در (19) فوریه اعلام کرد که ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین - نه ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه - دیکتاتور واقعی است، او فقط لفاظی های تحریک آمیز را بر زبان نیاورد. او یک حمله حساب شده به حافظه جمعی و واقعیت مشترک ما انجام می داد. از نظر سلطان کل ستاره واقعیت ما، این فقط یک حواس پرتی پر هرج و مرج نیست که ما این کلمه بی سابقه را به آن می زنیم، بلکه تهدیدی فعال است که جان میلیون ها اوکراینی را در معرض خطر قرار می دهد و به بی ثباتی خشونت آمیز در سراسر اروپا دامن می زند.

اما این یک توهین مستقیم به مردم آمریکا است که همین دو سال پیش شاهد وقوع این رویدادها در زمان واقعی بودند. اکثر رأی دهندگان می توانند وحشت تماشای یک کشور مستقل را که توسط ارتش مورد تهاجم قرار می گیرد به یاد بیاورند. تلاش جسورانه ترامپ برای باز نویسی وقایع جاری از کتاب بازی اقتدارگرایانه پیروی می کند: واقعیت را انکار کنید، روایت را باز نویسی کنید، و هرج و مرج و سردرگمی را به سلاح تبدیل کنید تا زمانی که چنگال افکار عمومی بر حقیقت شروع به لغزش کند. هدف نهایی کاملاً واضح است: قدرت کامل، قربانی کردن دموکراسی و جان میلیون ها نفر در این فرآیند.

این استراتژی به طرز دردناکی آشنا است زیرا ما قبلاً آن را تجربه کرده ایم.

چند ساعت پس از تحلیف، ترامپ به باز نویسی 6 ژانویه ادامه داد - رویداد دیگری که همه ما در زمان واقعی شاهد آن بودیم. عفو او به دور از محبوبیت و یا تجلیل توسط رأی دهندگان است، زیرا 83 درصد از آمریکایی ها این تصمیم را تایید نمی کنند، این باز نویسی تاریخ را تایید نمی کنند. ما حامیان او را تماشا می کردیم که از دروغ های او برافروخته می شدند و به ساختمان کنگره یورش بردند تا مانع از انتقال مسالمت آمیز قدرت شوند. این نظر سنجی نشان می دهد که مردم آمریکا بدون توجه به تعداد فرمان های اجرایی او می دانند که ما چه چیزی را دیدیم. ما به یاد می آوریم که چگونه خشونت روشنمند بود: شکستن شیشه ها، تخریب سنگرها، غارت دفاتر. هزینه های انسانی ویرانگر بود: جان های از دست رفته، قانون گذاران برای حفظ امنیت، خود دموکراسی در محاصره. به مدت 187 دقیقه طاقت فرسا، ترامپ - که در آن زمان هنوز رئیس جمهور مستقر بود - به درخواست ها برای توقف خشونت ها توجهی نکرد و در عوض با سناتور ها تماس گرفت و از آنها خواست تا در حالی که هرج و مرج در فاکس نیوز رخ می دهد به انتخابات اعتراض کنند. وقتی او در نهایت صحبت کرد، برای محکوم کردن خشونت نبود، بلکه برای تأیید آن بود: "ما شما را دوست داریم... من درد شما را می دانم... انتخابات دزدیده شد." او سوختن دموکراسی را تماشا کرد دوروی شعله های آتش بنزین ریخت. و حالا، او دوباره به قوطی گاز میرسد/

بررسی واقعیت فقط یک رویه روزنامه نگاری نیست، بلکه یک عمل مقاومت مدنی است که هر یک از ما باید از آن استقبال کرد.

این الگو فقط در مورد اشتباهات یاسر در گمی نیست. این در مورد از بین بردن سیستماتیک واقعیت مشترک است - تاکتیکی که بسیاری از سران دولت های مستبد به آن تکیه کرده اند. در رومانی، جایی که من به دنیا آمدم، دیکتاتور وحشی نیکولای چائوشسکو فقط زمان حال را کنترل نکرد. او گذشته را باز نویسی کرد رژیم او کتابها را ممنوع کرد، تاریخها را خاموش کرد، و فهرست هایی از نام هایی که نمی توانستند با صدای بلند بیان شوند، حفظ می کرد. هدف فقط سانسور نبود، بلکه ریشه کن کردن حافظه جمعی بود. همچنین برای تلاش های او برای هدف قرار دادن جوامع خاص ضروری بود. اگر تاریخ ما مورد احترام قرار نمی گرفت، انکار حقوق بشر ما آسان تر بود.

روسیه پوتین همین الگو را به ما نشان می دهد. او ادعا می کند که او کرایین به عنوان یک ملت تاریخ مشروعی ندارد، زیرا "کاملاً توسط روسیه ایجاد شده است." اینها فقط کلمات نیستند، بلکه زمینه ساز تهاجم و اشغال است. وقتی ترامپ این دروغها را درباره او کرایین و زلنسکی تکرار می کند، فقط تبلیغات پوتین را طوطی سازی نمی کند. او وفاداری خود را به عمل اقتدارگرایانه خم کردن خود واقعیت برای خدمت به قدرت نشان می دهد.

و البته، ما باید در مورد آلمان هیتلری صحبت کنیم. نه تنها به این دلیل که سلام نازی ها به طور ناگهانی در برابر مخاطبان محافظه کار در ایالات متحده به نمایش گذاشته می شود، بلکه به این دلیل که دقیقاً همان چیزی است که ما در اینجا در ایالات متحده می بینیم. زمانی که کاخ سفید یک ویدیوی ASMR از یک فرد غیر قانونی در زنجیر که به اردوگاه کار اجباری برده می شود، منتشر می کند، باید در مورد آلمان نازی صحبت کنیم. مانند ترامپ، رژیم نازی با اردوگاه های مرگ شروع نکرد. آنها با تبلیغات، با کتاب سوزی، با باز نویسی منظم تاریخ برای حمایت از ایدئولوژی برتری طلبانه سفیدپوستان خود شروع کردند. کره شمالی نیز قدرت خود را از طریق کنترل مطلق اطلاعات و روایت تاریخی حفظ می کند. اینها افسانه های احتیاطی دور نیستند، بلکه طرح هایی هستند که ترامپ دنبال می کند.

معماران حقایق جایگزین بیش از هر چیز از یک چیز می ترسند: حقیقتی که جسورانه و مکرر گفته می شود. از سال 1848، زمانی که آسوشیندپرس با تأکید بر گزارش واقعی تأسیس شد، روزنامه نگاری به عنوان کنترلی بر قدرت عمل کرده است. تصادفی نیست که ترامپ اکنون خبرنگاران AP را به دلیل گزارش واقعی آنها در مورد خلیج مکزیک از حضور در مطبوعات کاخ سفید محروم کرده است. وقتی حقایق دشمن می شوند، ما شاهد اقتدارگرایی در عمل هستیم. اما دفاع از حقیقت فقط کار روزنامه نگاران نیست، اگرچه آزادی آنها برای بقای دموکراسی ضروری است. خط مقدم در این نبرد از طریق هر مکالمه ای که داریم، هر پستی که در رسانه های اجتماعی به اشتراک می گذاریم، هر بار که تصمیم می گیریم به جای سکوت صحبت کنیم، می گذرد. بررسی واقعیت فقط یک رویه روزنامه نگاری نیست، بلکه یک عمل مقاومت مدنی است که هر یک از ما باید از آن استقبال کنیم.

هر چه این حملات به حقیقت هرج انگیزتر و طاقت فرسا تر می شوند، امتناع ما از عادی سازی آنها ضروری تر است. صحبت کن مهم است. تفاوت ایجاد می کند. هر کتاب توقیف شده، هر روزنامه نگاری که از طریق ارباب یا تبعید ساکت شده است، هر رویداد تاریخی باز نویسی شده است - اینها حوادث مجزایی نیستند. آنها اعتصا با ت هماهنگ علیه قدرت جمعی ما برای مقاومت هستند.

اغلب احساس می کنیم که در نقطه ای بی بازگشت قرار داریم، به خصوص وقتی به همدستی کنگره نگاه می کنیم. تمایل کنگره برای تسلیم شدن نقش قانونی خود برای بسیاری از آمریکایی ها آشکار شده است. قانون گذاران جمهوری خواه به جای پیش نویس قانونی یا کنترل قدرت اجرایی، ترجیح داده اند که ترامپ با فرمان حکومت کند. وقتی می توانید به سادگی به یک عوام فریب اجازه صدور دستور بدهید، چرا به کار آشفته دموکراسی زحمت بکشید؟ این فقط یک شکست نهادی نیست، بلکه تسلیم نهادی است و آنها با این کار به هر آمریکایی خیانت می کنند. جمهوری خواهان کنگره حیثیت خود و دموکراسی ما را با توییت های مثبت ایلان ماسک و ترامپ عوض کرده اند.

اگرچه این غیر قابل انکار تاریک است، اما من معتقد نیستم که به معنای شکست است. این بدان معناست که ما با یک تصمیم جمعی بگیریم: آیا آنچه را که تیموتی اسن ایدر «اطاعت پیش بینی» می نامد را انجام خواهیم داد (مخصوصاً از آنجایی که اکثر دستورات ناعادلانه، غیر قانونی و غیر قانونی هستند)، یا با عزمی راسخ به واقعیت مشترک خود ادامه خواهیم داد؟ تاریخ فقط ثبت اتفاقات رخ داده نیست، بلکه راهنمای مقاومت است. وقتی اجازه می دهیم گذشته مان باز نویسی شود، درس هایی را که می تواند آینده ما را نجات دهد، تسلیم می کنیم. وقتی کسی فکر می کند که می تواند گذشته را باز نویسی کند، بر این باور است که خود خداست که رویدادها را کنترل می کند. ما باید مطمئن شویم که اعلام می کنیم ترامپ نه پادشاه است و نه خدا.

مسیر پیش رو از طریق اقدام فردی یا حفاظت از آزادی های شخصی ما نیست. این لحظه مقاومت جمعی را می طلبد، نظمی بلند در کشوری که به آن گفته می شود برای زنده ماندن باید همسایگان خود را نابود کند. اما ما بهتر می دانیم. ما همسایه هایمان را دوست داریم. ما شاهد کار و مراقبتی هستیم که کارگران خدمات پارک ملی ما در حال سرمایه گذاری هستند و معتقدیم اخراج 100000 کارگر فدرال که آزادی ما را حفظ کردند ناعادلانه است و باید معکوس شود. ما می دانیم که در یک دموکراسی، یک میلیارد غیرمنتخب حق ندارد با آمریکایی ها به عنوان پیاده رفتار کند. ما باهوش تر از ایلان هستیم و ترامپ مثل ما رفتار می کند. هر بار که ترامپ تلاش می کند 6 ژانویه را باز نویسی کند یا تبلیغات پوتین در مورد اوکراین را طوطی وار انجام دهد، ما باید نه با خشم پاسخ دهیم (بالاخره، همه اینها در پروژه 2025 نوشته شده است)، بلکه با تعهد تزلزل ناپذیر به حقیقت. ما باید اجازه ندهیم واقعیت مشترک ما در خدمت جاه طلبی اقتدارگرایانه از بین برود.

تاریخ در این مورد روشن است: وقتی رهبران با خود حقیقت جنگ می‌کنند، سکوت مساوی است با تسلیم. ما اکنون نمی‌توانیم تسلیم شویم. کتاب‌ها را بخوانید. از اطاعت پیشاپیش از اقدامات اجرایی ناعادلانه، خلاف قانون اساسی و غیرقانونی خودداری کنید. با همسایگان و دوستان خود جمع شوید و حقیقت را بگویید. از باور این دروغ که اکنون برای بقای فردی خود علیه یکدیگر هستیم، خودداری کنید. ما باید جمع شویم و حقیقت را یکپارچه بگوییم: ترامپ نه پادشاه است و نه خدا.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

ایمیس ایلیس ؛ یک روانشناس اجتماعی انتقادی و پژوهشگر اقدام مشارکتی است که کارش مقاومت جامعه و بقای جمعی را در مواجهه با اقتدارگرایی بررسی می‌کند. تحقیقات او بر جنبش‌های مردمی و شبکه‌های کمک متقابل متمرکز است.



ایمیس ایلیس

----- با تقدیم سلامها «2025-02-28»

.....